

ارزیابی عملکرد شبکه اشراق در تقویت هویت و همبستگی ملی

حسین نوروزی*

E-mail: norooziutir@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۶

چکیده

امروزه کارکرد رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون و تأثیر آن بر هویت و همبستگی ملی محل بحث است. شبکه اشراق از حدود یک دهه قبل در استان زنجان تأسیس و فعال شده است. این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که: شبکه اشراق در جهت تقویت هویت و همبستگی ملی چه عملکرد و برنامه‌هایی داشته است؟ در این پژوهش با درپیش گرفتن روش پیمایشی و گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، چند متغیر مهم از عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی یعنی مذهب، زبان، ادبیات، سنت‌ها، هنر و میراث فرهنگی انتخاب شدند. حجم نمونه پژوهش بر پایه فرمول کوکران انتخاب شد. به منظور بررسی روایی سؤالات پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و نتیجه آن ۰/۸۵ بود و داده‌ها قابلیت اعتماد بالایی داشتند. با در نظر گرفتن اهمیت متغیرهای موجود در جهت تقویت هویت و همبستگی ملی می‌توان ملاحظه کرد که این شبکه به‌طور معنادار عملکرد قابل قبولی داشته است.

کلید واژه‌ها: رسانه‌های جمعی، جهانی‌شدن، هویت ملی، شبکه اشراق و همبستگی ملی.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی و مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

مقدمه

انسان، جهان و فرهنگ مثلث پر رمز و رازی را تشکیل می‌دهند. با ورود به جهان اطلاعات و ارتباطات، با تصور مسائل و مخاطرات جهانی شدن، گذرگاه‌های تعاملات هویتی پر حادثه گشته و سیاستگذاری در باب رسانه‌ها و فرهنگ بسیار مهم و پیچیده شده است. رسانه‌ها از مهم‌ترین کارگزاران فرهنگی جوامع جدید هستند. آنها به مثابه یک عنصر محرک در جهت تبیین و تقویت نظام شناخت‌ها و رفتارها بین آحاد مردم و نهادهای عمومی عمل می‌کنند. به سخن دیگر، رسانه‌ها از یک طرف روابط بهینه افراد و گروه‌ها را با همدیگر و رابطه جامعه با حاکمیت را بازنمایی می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌ها در جهان امروز، معطوف به تقویت هویت و همبستگی ملی است.

هویت ملی ایران ترکیب نظام‌داری از عناصر پایدار این فرهنگ است. این هویت ملی در بستر تحولات تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی شکل گرفته، صیقل خورده و متحول شده است. «شاکله هویت ملی ایرانی را می‌توان در حضور و نقش‌آفرینی مؤلفه‌های زیر یافت: سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، زبان فارسی، سنت‌ها، میراث و نمادهای فرهنگی مانند تخت جمشید، هنرهای بومی و سنتی ایرانی، میراث ادبی و معنوی ایرانی، میراث علمی و معرفت‌شناسی ایرانی، مذهب تشیع، نمادهای ملی ایرانی، نشان ملی، پول ملی، نام کشور ایران و حکومت ملی» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

لازمه شکل‌گیری و آغاز [و تحول ثمربخش] فرایند هویت‌سازی، کار و برنامه‌ریزی برای مجموعه شناخت (ها) است. شناخت خود فرایندی دوسویه است. در هویت‌یابی، شناخت فرد از خود به اندازه شناخت از دیگری یا دیگران اهمیت دارد (قیصری، ۱۳۸۳: ۹۲). در فضای جهانی شدن، بیشترین و ظریف‌ترین نقش‌ها در هویت‌سازی و تغییر و تحول آنها را، رسانه‌ها به عهده دارند. اهمیت پرداختن به فرهنگ و تمدن ایران در پیوند با تحولات پس از انقلاب اسلامی این رسالت و عملکرد رسانه‌ها را بیش از پیش مهم کرده است. ایجاد شبکه‌های استانی در کشور نظیر شبکه اشراق در همین راستا و برای تقویت نظام شناخت‌ها و تعالی رفتاری میان شهروندان و مردمان کل کشور قابل تأمل و بررسی است. اما این‌که شبکه تا کنون چه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را در جهت اهداف خود به منصه ظهور رسانده است، با مطالعه و ارزیابی‌های مختلفی می‌تواند محل پرسش و مطالعه باشد.

سؤال‌های اصلی

در این مقاله سؤال‌هایی که قابل طرح هستند به ترتیب زیر عبارتند از: مبانی فرهنگ و هویت ملی چیست و نظام تعاملات آنها با رسانه‌ها چگونه است؟ شاخص‌ها و عناصر اصلی هویت ملی در ایران کدامند؟ رسانه‌های ملی و منطقه‌ای در تقویت هویت و همبستگی ملی چه جایگاه و نقشی دارند؟ برنامه‌ها و عملکرد شبکه اشراق در تقویت هویت و همبستگی ملی به چه صورت بوده است؟

مباحث نظری: فرهنگ، هویت ملی و سیاست رسانه

از منظر اجتماعی جهان ما را جوامع و ملت‌ها ساخته‌اند. این ملت‌ها در چارچوب مشخصی از روابط و عناصر که فرهنگ آنها را تشکیل می‌دهد از همدیگر بازشناخته می‌شوند. فرهنگ در زبان‌های فارسی، اروپایی و عربی ریشه‌ها و معانی داشته و متحول شده است. به‌طور کلی، فرهنگ را در بستر و چارچوب یک زندگی اجتماعی و انسانی مورد نظر می‌توان قرار داد. گاهی فرهنگ و تمدن را مترادف هم و گاهی مکمل هم به کار می‌برند. بنابراین، انواع تعریف و دیدگاه‌ها را در مورد فرهنگ می‌توان از هم بازشناخت، به گونه‌ای که طیف متنوعی از تعریف‌های وصف‌گرانه، تاریخی، هنجاری، روان‌شناسانه، ساختاری و تکوینی وجود دارند (آشوری، ۱۳۸۱: ۴۷).

«فراهم آوردن تعریفی واحد از فرهنگ نه تنها کاری آسان نیست، که در اصل کاری ناممکن است. اگر فرهنگ را در برابر طبیعت در نظر بگیریم، گرچه در یک میدان کلی قرار می‌گیریم اما به معنایی و تعریفی مشخص می‌رسیم که فرهنگ را در برگیرنده همه چیزهایی می‌داند که بر اثر عمل انسانی پدیدار می‌شود. جامعه براساس فرهنگ شکل می‌گیرد و البته فرهنگ در جامعه به وقوع می‌پیوندد و سیر می‌کند. از این رو قابل اشاعه، انتقال و واگذاری، در خور تغییر و تکثیر است» (پهلوان، ۱۳۸۸: ۶۸).

هرچند گفته می‌شود که با جدا کردن ابعاد طبیعی (فیزیک و میراث ژنتیک) و شخصیتی (روان و درونیات) از دیگر رفتارها و آداب انسان‌ها، فرهنگ کم‌کم نمایان می‌شود، اما خود این مؤلفه‌ها هم به‌صورت خاص و به تدریج بخشی از نظام فکری، اخلاقی، شخصیتی و رفتاری یک جمع فرضی می‌شود که در مجموع می‌تواند نام فرهنگ به خود بگیرد. بر پایه چنین نگرشی به فرهنگ، شاهد تنوع چشمگیری در جهان هستیم و واحدهای اجتماعی کوچک و بزرگ، مرزها و فضاها، فرهنگی کم و بیش مشخصی دارند. فرهنگ این‌گونه جوامع کل پیچیده‌ای است دربرگیرنده دانش،

باور، هنر، اخلاقیات، حقوق آداب و رسوم و هر استعداد و عادتی که انسان به مثابه عضوی از جامعه معین کسب می‌کند (بنگرید به: کلهر و کلین، ۱۹۹۸: ۱۸). کارویژه این مجموعه فراهم کردن معنا و هویت برای کنشگران است که به واسطه ترکیب عناصر شناختی، معنایی، احساسی و ارزشی ممکن می‌شود (بنگرید به: هولتون، ۱۹۹۸: ۱۶۲). اما نکته این است که فرهنگ‌های جوامع مختلف از نقطه نظر عام‌گرایی یعنی انطباق، انعطاف، آمیزش، تعدیل و تفاهم از یک طرف و خاص‌گرایی یعنی بی‌همتایی، مرزبندی، ذات‌باوری، انزواگرایی و سرسختی چه موضع و عملکردی دارند که در فضای جهانی شدن با مطرح کردن مسائلی چون قومیت و بنیادگرایی دینی، این کنش و واکنش‌ها بسیار قابل مطالعه و بحث است (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

به این ترتیب، فرهنگ و هویت ملت‌ها یک ساختار دو سویه از شناخت‌ها و رفتارها را پدید می‌آورند. فرهنگ منظومه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، تصورات، آرمان‌ها، ایستارها، الگوهای زندگی و به عبارتی هویت جمعی و مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی یک گروه و یا ملت است. امروزه در ادبیات سیاسی و بین‌المللی در کنار سایر مظاهر و پایه‌های قدرت ملی، از فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود که ای بسا از قدرت و تأثیرگذاری بیشتر و عمیق‌تری نسبت به ساختارهای مادی (پول و زور) دارد.

بر این مبنا چند اصل در مورد کارکرد فرهنگ وجود دارد که عبارتند از:

۱- شکل‌دادن به یک هویت مشخص در برابر هویت‌های دیگر که اعضای آن فرهنگ در مواجهه، مقایسه و حتی مقابله با هویت‌های غیر از خود به آن رجعت کرده و در سایه آن جمع می‌شوند.

۲- ویژگی آموزشی و تربیتی فرهنگ که به مثابه زنجیره تغذیه روحی، ذهنی و معنوی عمل کرده و تجربیات و شناخت‌های نسل قدیم را به نسل جدید منتقل می‌کند.

۳- میل به برنامه‌ریزی برای بقا، تحول و اعتلای درونی که حاکی از سرزندگی و هدفمندی فرهنگی است.

۴- میل به توسعه و فراگیری. فرهنگ‌ها در رقابت با سایر فرهنگ‌ها هم در عرصه ذهنی و هم در به لحاظ مادی گسترش بیشتری می‌یابند تا دیگران را در خود جذب و هضم کنند و ایده‌های سعادت ملت خود و حتی بشریت را ارائه می‌دهند (نوروزی، ۱۳۸۶: ۳۶۵).

در مورد این که ریشه و مبانی هویت ملی چیست، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در حالی که در جغرافیا «سرزمین مشترک» و تاریخ مشترک مؤلفه‌های اساسی هویت ملی تلقی می‌شوند، در علوم سیاسی تکیه بر ساختار سیاسی مشترک، ملیت و یا جامعه مدنی

بومی است. در علوم اجتماعی زبان، دین و آداب و سنن مشترک عناصر اصلی هویت ملی محسوب می‌شوند. در فلسفه بیشتر به وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک تأکید می‌شود و در روان‌شناسی اجتماعی نیز به هویت «ما» و احساسات مشترک و آگاهی جمعی توجه می‌شود (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۲: ۱۱۹). بنابراین، مجموعه‌ای از مفاهیم و موضوعات رابطه‌ای راجع به فرهنگ و اجتماع وجود دارند که عبارتند از: مشترک، سهم، منافع، هویت، پیوند، تعامل، تعلق، مشارکت و از این قبیل [مثل تصورات و ایستارها]. حس تعلق افراد به اجتماع، مرزهای خودی و دیگری، درونی و بیرونی، ملی و بین‌المللی را هم شکل می‌دهد (آساموا گیادو، ۲۰۰۸: ۵۷).

هویت ملی عبارت است از بازتولید و بازتفسیر دائمی ارزش‌ها، اعتقادات، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی‌اش امکان‌پذیر است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۹). هویت سازوکاری است که نوعی انسجام ایجاد می‌کند؛ سازوکار اصلی که هویت براساس آن شکل می‌گیرد ارزش‌ها، تلقی‌ها و شناسایی‌های فرد نسبت به جهان است. این سازوکار زمانی عمل می‌کند که عوامل هویت‌ساز مانند یک سیستم در کنار هم قرار گرفته باشند، به نحوی که عناصر مختلف‌شان با همدیگر در تقابل نباشد و هیچ کدام با یکدیگر تعارضی پیدا نکنند (معینی‌علمداری، ۱۳۸۳: ۵۰). از لوازم زندگی مسالمت‌آمیز شهروندان یک جامعه و ایجاد عدالت در میان آنها، وجود یک جریان و حضور شکلی از وابستگی عمومی و متقابل ناشی از هویت مشترک در بین آنهاست (کیملیکا، ۱۹۹۵: ۷۳). هویت ملی باید از ویژگی ظرفیت فراگیر و اصل خودآگاهی نسبت به وجود آن در میان یک ملت برخوردار باشد. در این میان، دولت با در اختیار داشتن رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و به‌ویژه آموزش رسمی می‌تواند در آگاهی‌بخشی و ترویج هویت مشترک نقش بسزایی ایفا کند (بلک، ۲۰۰۶: ۶۰).

در این میان، رسانه‌های جمعی به‌عنوان یکی از ابزارهای جدید جامعه‌پذیری همپای خانواده‌ها، محیط‌های آموزشی، جمع دوستان و فضای کار، نقش مهمی در رشد و تحول ابعاد مختلف زندگی ایفا می‌کنند که یکی از این ابعاد و اهداف، به یقین ایجاد همبستگی است. این رسانه‌ها بیشتر و ظریف‌تر از هر نهاد اجتماعی دیگری به ایجاد چنین ذهنیت مشترکی کمک می‌کنند. این روند به صورت یک برنامه تدریجی و تا حدودی ناآگاهانه عمل می‌کند. از منظر کلی، کارکردهای اجتماعی رسانه را می‌توان با مولفه‌های زیر در نظر گرفت:

۱- اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی؛

۲- پرورش اندیشه‌ها، احساسات، عقاید، و شغلی؛

۳- بیانگر؛ کمک به ایجاد ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی و مساعی لازم برای معرفی فرهنگ و تمدن و افکار و عقاید و رفتارهای انسانی که جنبه بیانی دارند و دو گونه هستند: معرفی فرهنگ و تمدن و تشریح ایدئولوژی‌های جاری؛

۴- اجبار؛ تحمیل غیرمستقیم و نامرئی عقاید و روش‌ها و رفتارهای اجتماعی و تغییر غیر مستقیم و نامرئی روحیات و اعتقادات عمومی بدون توجه به شخصیت انسانی، نقش اعمال فشار و اجبار را از طرف مطبوعات و سایر فنون انتشاری مشخص می‌سازند (معمدناژاد، ۱۳۹۰: ۱۰).

در دوره حاضر که فناوری اطلاعات از مرزهای جغرافیایی [ملی] فراتر رفته و هویت مجازی گاهی بر هویت‌های سنتی مسلط شده است. در عرصه فرهنگ جهانی بازاری از ارزش‌ها، اعتقادات و سنت‌ها وجود دارد که افراد با انتخاب برخی از آنها هویت فردی خود را می‌سازند. هرچند امروزه هویت بیشتر فردی شده و فرد است که بنا بر ابزارها و ارتباطات خود در این مهلکه هویت خود را ساماندهی می‌کند (پروتی، ۲۰۰۶: ۱۳۲)، اما نقش تهاجمی فناوری‌های اطلاعاتی (رسانه‌ها) و نیروهای بازار را در عرصه سیاست جهانی (فالک، ۲۰۰۰: ۱۱۱) در تحول هویتی، پردازش‌های جدیدی برای شکل دادن به علائق جدید و بازسازی علقه‌های سنتی (گاه به صورت انفرادی و گاه به صورت مجموعه‌وار) انجام می‌دهند که نباید مورد غفلت قرار گیرد.

پیشرفت‌های علمی و فناوری از اواسط قرن بیستم به‌طور فزاینده‌ای مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده است. خصلت جهانی و فرامرزی فناوری‌های جدید مرزهای سنتی و سرزمینی را در نوردیده (اورارد، ۲۰۰۰) و مشخصاً بر ایستارها، رفتارها و تعاملات میان افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی سایه افکنده است. چالش‌های این تحولات و سیاست‌های جهانی فناوری‌های ارتباطی جدید بر بقاء، قدرت و نفوذ دولت‌ها بسیار وسیع‌تر است (دلیبسیس، ۲۰۰۹: ۹۸). در جهان امروز رابطه انسان با وسایل ارتباطاتی و تاریخ خود با نقش و مداخله‌ای که رسانه‌های جدید در ذهن و زندگی انسان‌ها در ابعاد مختلف دارند، بسیار دگرگون شده است. این اتفاق در بخش اینترنت به لحاظ ظرفیت و امکاناتی که فراهم می‌کند، گستردگی مخاطبان، ایجاد فرهنگ و تغییر دادن روندهای اجتماعی و جامعه قابل تصور بسیار مهم است (کوران، ۲۰۰۸: ۵۱).

- بنابراین و رسانه‌ها می‌توانند با تحکیم و تعمیق پیوندهای مذهبی، ملی، فرهنگی و تاریخی به تقویت همبستگی اجتماعی و تسریع و تسهیل سایر برنامه‌های توسعه ملی بپردازند. در مجموع، با عنایت به دغدغه‌های دولت‌ها نسبت به فرهنگ، هویت و همبستگی ملی، می‌توان کارکرد سیاسی - فرهنگی رسانه‌ها را چنین برشمرد:
- ۱- ارائه اطلاعات به مردم در درباره تاریخ تحولات سیاسی و نظام کهن اجتماعی‌شان؛
 - ۲- انتقال و بازآموزی ارزش‌ها، اسطوره‌ها، سنت‌ها و آداب اجتماعی میان نسل‌ها؛
 - ۳- آموزش و تقویت اصول اعتقادی و جهان‌بینی برای نسل جدید؛
 - ۴- تقویت وفاق و همگرایی سیاسی - اجتماعی میان جوامع و اقلیت‌ها؛
 - ۵- بازسازی مبانی و ارتقای کیفی الگوهای رفتاری شهرنشینی و مدنیت و توسعه اجتماعی؛
 - ۶- تحول مبانی رفتار سیاسی، کارکرد نهادها و سازمان‌های اجتماعی؛
 - ۷- تقویت اجتماعی پشتوانه راهبردهای مدیریت و توسعه ملی معطوف به ارتقای مشروعیت، هویت و همبستگی ملی.
 - ۸- تسهیل زمینه‌های تفاهم و موانست، مناسبات و مبادلات فرهنگی میان جوامع و اقوام درونی و بیرونی کشورها.
- با این مقدمات، وارد بحث نظام فرهنگی و هویت ملی ایران می‌شویم تا ببینیم در چارچوب فرهنگ، تمدن و هویت ملی ایران چه موضوعات و شاخص‌هایی بیشتر مد نظر هستند.

- نظام فرهنگی و هویت ملی ایران

فرهنگ و تمدن ایران در طول تاریخ با شرایط، امکانات و محدودیت‌های مختلفی شکل گرفته و متحول شده است. فرهنگ و تمدن ایرانی مجموعه‌ای از میراث و دستاوردهای مادی و معنایی است که عیار خاص خودش را دارد. در بخش فرهنگ، عناصر متنوعی بستگی‌ها، اعتقادات، سنت‌ها، ارزش‌ها، دانش‌ها، تعلقات، روش‌های زیست اجتماعی و ایستارها قابل تأمل هستند. در لایه‌های درونی و معنایی این فرهنگ مراتب بالایی از عشق، شور، ذوق، ادب، کمال، هنر و فضیلت جاری گشته و روح ایرانی را پدید آورده است. در مراحل مختلفی از تحول و تطور فرهنگ ایرانی، تی موآهب و دستاوردهای چشمگیری برای جوامع غیر ایرانی به بار آمده است. وحدت سرزمینی یکی از متغیرهای اولیه برای فرهنگ و تمدن ایرانی است. تاریخ کهن ایران زمین و تمدن آن سراسر در متون و مطالعات قدیمی وجود داشته است. «نام

ایران از همان دوره باستان به سرزمین کنونی ما اطلاق می شده است... منابع تاریخی دوران اسلامی هم گویای چنینی قدمت و استقامتی هستند» (بنگرید به: احمدی: ۱۳۸۴: ۲۶). سرزمین و جغرافیا نقش مهمی در شکل گیری و تداوم یک هویت و بستر فرهنگی دارند. «به باور برخی از محققان (همانند پاتریکا یگر) مفاهیمی چون کشور، وطن، میهن پرستی، و به طور کلی، [موضوع آب و خاک] به بسیاری از خاطرات و تجربه‌ها شکل بخشیده‌اند؛ به طوری که تصور خاطرات بدون درنگ در بافت فضایی - زمینی آن بسیار دشوار و بعضاً محال است» (نصری، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

دین و مذهب از مهم‌ترین عناصر هویت مشترک ایرانی است. یکی از بارزترین ویژگی‌های فرهنگ و تمدن ایرانی عبارت از معنویت‌گرایی این جامعه است. ایرانیان از ابتدا به شکل‌های مختلف و برحسب تحولات تاریخی، ارتباطات فردی و اجتماعی را با عناصر اعتقادی و ارزشی درآمیخته و نسبت به تکامل آن همواره نوآوری نشان داده‌اند. در کنار احترام به عقیده مومنان سایر ادیان و مذاهب، متعاقب آشنا شدن ایرانیان با دین اسلام، خیل کثیری از ایرانیان به اسلام گرویدند. نکته دیگر این که گسترش دین اسلام به ممالک شرق به‌ویژه هندوستان و شرق آسیا توسط ایرانیان انجام گرفته. با فتوحات غزنویان در هند، هندیان بیشتر به اسلام روی آوردند و این حرکت اولیه‌ای برای تحکیم مناسبات ایران و بلاد شرق بود که به تدریج سایر حوزه‌های فرهنگی از جمله در ادبیات، زبان فارسی، خط، اعیاد و جشن‌ها، زمینه‌های مختلف هنری به‌ویژه معماری، کتیبه نویسی، سفال، فرش، مینیاتور و موسیقی قابل ذکر می‌باشند (اخوان‌کازمی و عزیزی، ۱۳۸۹: ۸۳). یکی از مفاهیمی که با حیات اجتماعی ایرانیان عجین بوده مفهوم «حاکم حکیم» است که در فرهنگ آرمانی جانشین پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) و در واقع نماینده خدا در زمین است. این عنصر در مراحل مختلف تاریخی ایران یافت می‌شود و نمادشناسی قانون اساسی در دوره جمهوری اسلامی هم نشانگر تلاش ایرانیان برای تلفیق دو محور دین با ایرانیت بوده است (خان‌محمدی، ۱۳۸۸: ۹).

زبان و ادبیات فارسی هم نقش و اهمیت خاصی در این منشور فرهنگی و هویتی ایران دارد. زبان یکی از بنیادهای ارتباطات اجتماعی و مظاهر فرهنگی جوامع است که نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری و شکوفایی ملت‌ها و سایر عناصر فرهنگ داشته است. به علاوه زبان فراگیرترین عنصر مشترک هویتی است که می‌تواند فارغ از بعد جغرافیا و همجواری سرزمینی تا حد زیادی وجه نظرها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و انتقال این مجموعه در توالی نسل‌ها به عهده بگیرد (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۶).

«زبان یکی از ابزارهای مهم پیوند و همبستگی اقوام، گروه‌ها و طبقاتی ایران بوده و هست. تنوع جامعه ایرانی که از دوران امپراتوری هخامنشی، اشکانی و ساسانی تا امروز وجود داشته و دارد، از راه زبان پارسی به یگانگی و وحدت رسیده‌اند» (فلاح، ۱۳۸۷: ۴). زبان فارسی جانمایه رشد و تکاپوی سایر زبان‌ها و گویش‌های محلی و منطقه‌ای در ایران بوده است. علما، شاعران، ادبا و نویسندگان این سرزمین به زبان‌های مختلف کار کرده و به لطافت هرچه تمام در جوشش این ظرفیت‌ها به هنرنمایی پرداخته‌اند. گنجینه ادبیات ملی کشورمان مملو از آثار فاخر و لطیفی از سخن‌سرایان به زبان‌های فارسی، آذری و یا عربی است. این تعامل زبانی در فرهنگ ایرانی هم بخشی از روحیه مسالمت‌جویی و یادگیری ایرانیان بوده است.

ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی عنصر بعدی این چارچوب است. در درون هر گروه، تیره و ملتی، مجموعه‌ای از آداب و رسوم خاص به تدریج و به تناسب شناخت‌ها، اعتقادات و تحولات اجتماعی شکل می‌گیرند، ماندگار می‌شوند و دچار تغییر و تحول شده و در برخی موارد هم منسوخ می‌شوند. جشن‌ها و سوگواری‌ها - گذشته از شادی یا اندوهی که به همراه دارند - در برخی از ویژگی‌ها همسانند؛ چون مهمانی دادن، خوردن، آشامیدن، گردآمدن هرچه بیشتر خویشاوندان و آشنایان، قربانی کردن، سرود یا شعری را گروهی خواندن، با صدای بلند شادی یا اندوه را نشان دادن (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۴). آمیختگی روزها، هفته‌ها و ماه‌های مختلف سال در فرهنگ ایران با مناسبت‌های مختلف تغییر و تحول فصل‌ها، آئین‌های دینی و مذهبی، آئین‌های ملی و میهنی، مناسبت‌ها و مراسم خانوادگی قسمت مهمی از آداب و سنن اجتماعی را تشکیل می‌دهند. جشن‌های نوروز، تیرگان، مهرگان و سده (یلدا) به شکل باستانی و اسطوره‌ای در کشور گرامی داشته می‌شود. جشن و سرور اعیاد فطر، قربان، غدیر، میلاد پیامبر اکرم و ائمه اطهار که همراه با جهان اسلام برگزار می‌شود، جایگاه خاصی در سنت‌های اجتماعی دارند. هم‌چنین، سنت‌های خاص و آئینی ماه‌های مبارک رجب، شعبان، رمضان و ماه‌های محرم و صفر در میان مردم و زندگی عادی آنها، با اصول آموزشی و تربیتی ویژه‌ای برای نسل‌های جدید انتقال می‌یابند.

یکی دیگر از شاخص‌های فرهنگی این سرزمین عبارت از از موانست و غرقه‌شدن روح و زندگی ایرانی با انواع هنر بوده است. بی‌هیچ توصیف بیشتری باید اقرار کرد که هنرمندان ایران زمین با خلق آثار مختلف هنری که همواره صبغه جهانی و جاودانی به خود می‌گیرند برگ‌های زرین فرهنگی از تاریخ تکامل روحی و ذوق ایرانی را در

جامعه بشری متبلور ساخته‌اند. نبوغ مردم ایران به‌ویژه در هنرهایی که تزئینی نامیده می‌شود - یعنی هنرهایی که اثرشان در زیبایی نقش و گویایی طرح است - تجلی یافته. (پوپ، ۱۳۸۱: ۴۱). تکامل جمعی و هم‌افزایی در رشد و تحول انواع هنرهای ایرانی در سفال‌گری، کاشی‌کاری، صنایع دستی، مجسمه‌سازی، نقاشی، معماری و موارد دیگر در نوع خود کم‌نظیر بوده است. در بخش معماری به‌طور مثال جالب است که هر چند معماری ایرانی همیشه و همه جا هنری وابسته به زندگی بوده و در ایران ما بیش از هر جای دیگر، چنان که آرایش معماری همواره به دست زندگی بوده؛ اما امروزه استفاده از برخی ملاحظات و دانش‌های سنتی بسیار عمیق و کارسازند. همان‌طور که ظریفی گفته است و... معمار ایرانی افزاز درگاه را به اندازه بالای مردم می‌گرفته و روزن و روشن‌دان را چنان می‌آراسته که فروغ خورشید و پرتو ماه را به اندازه دلخواه به درون سرای آورد. پهنای اطاق خواب به اندازه یک بستر است و افزاز طاقچه و رف به اندازه‌ای است که (نشسته و ایستاده) به آسانی در دسترس باشد. آسمانه اطاق را با خوانچه و کاربندی چنان می‌ساخته است که به اندام باشد و گوشه‌های آسمانه را با پتکانه (طاق معلق) و گیلویی چنان می‌پرداخته است که نغز و دلپذیر شود (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۱۱۲). ملاحظه شد که تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی از بعد هویت ملی فراز و نشیب‌های مختلفی داشته و به گونه‌ای از نظر جایگاه و نقش عناصر دخیل در هویت ملی، دچار تغییر و تحول شده است.

تاریخچه شبکه استانی اشراق

صدا و سیمای مرکز زنجان با هدف رله و تقویت برنامه‌های شبکه‌های سراسری رادیو و تلویزیون در سال ۱۳۵۲ تأسیس شد و در سال ۱۳۵۶ برنامه‌های رادیویی خود را به‌طور مستقل آغاز کرد. تجربه برنامه‌سازی در این مرکز در بخش تولید برنامه‌های رادیویی به ۱۳۵۶ و در بخش تولید برنامه‌های تلویزیونی به سال ۱۳۵۹ برمی‌گردد. در آغاز فعالیت‌های برنامه‌سازی مرکز با توجه به امکانات، تجهیزات فنی و نیروی انسانی متخصص محدود، تعهدات برنامه‌سازی ناچیز و متناسب با امکانات، تجهیزات فنی و نیروی انسانی به عهده این مرکز گذاشته شده بود، لیکن در سال‌های اخیر پس از افتتاح شبکه‌های استانی صدا (۱۳۷۹) و سیما (۱۳۸۳) و توسعه و افزایش امکانات، تجهیزات فنی و نیروی انسانی، تعهدات برنامه‌سازی نیز در حوزه‌های فوق رشد خوب و مناسبی داشت شد به‌طوری که تعهد تولید برنامه‌های رادیویی از حدود ۴۰۰ ساعت در سال به

۳۲۵۰ ساعت در سال، و در حوزه سیما از حدود ۶۰ ساعت در سال به ۹۲۲:۱۵ ساعت در سال رسیده است. در سوم خرداد ماه سال ۱۳۹۰ و با توجه به رسالت شبکه‌های استانی سیما در عرصه رقابت رسانه‌ای پخش شبکه استانی سیما از هشت به بیست ساعت در روز افزایش یافت و هم‌چنین با بهره‌برداری از فرستنده پرقدرت دیجیتال در بیست و پنجم خرداد ماه سال ۱۳۹۰ پخش دیجیتالی شبکه استانی سیما با پوشش حدود پنجاه درصدی آغاز به کار کرد. فعالیت‌های حوزه خبر مرکز نیز به سال ۱۳۵۶ برمی‌گردد که وظیفه‌اش صرفاً پخش اطلاعیه‌ها و نیازمندی‌های استان بوده است. فعالیت‌های این حوزه از سال ۱۳۵۷ از پخش اطلاعیه‌ها و نیازمندی‌های استان به تولید و پخش دو بخش خبر رادیویی به صورت روزانه تغییر یافت و با بهره‌برداری از استودیوی پخش تلویزیونی مرکز در سال ۱۳۵۹ تولید و پخش اخبار تلویزیونی نیز ۱۵ دقیقه در روز و به زبان فارسی آغاز شد. روند رشد فعالیت‌های خبری مرکز با افتتاح شبکه‌های استانی صداوسیما ادامه یافت به طوری که هم‌اکنون دارای بخش‌های مختلف خبری در حوزه‌های رادیو و تلویزیون می‌باشد. بدین ترتیب صداوسیما مرکز زنجان که در سال‌های آغازین تأسیس که جزء مراکز درجه چهار بود با بهره‌برداری از شبکه استانی صدا در سال ۱۳۷۹ به مرکز درجه سه و با راه‌اندازی شبکه استانی سیما در شانزدهم مرداد ماه سال ۱۳۸۳ از مرکز درجه سه به مرکز درجه دو ارتقاء پیدا کرده است (شبکه اشراق، ۱۳۹۱).

روش پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق همه شهروندان بالای ۱۵ سال استان زنجان بودند که حجم نمونه ۲۳۲ نفری به صورت نمونه‌گیری طبقه‌بندی از شهرهای زنجان، ابهر، خدابنده، صائین قلعه و سلطانیه به صورت تصادفی تعیین گردید. برای بررسی روایی سؤالات پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کردیم و نتیجه آن ۰/۸۵ شد که می‌توان نتیجه گرفت که نتایج برآمده از این پرسشنامه‌ها قابلیت اعتماد بالایی دارند.

متغیرهای اصلی

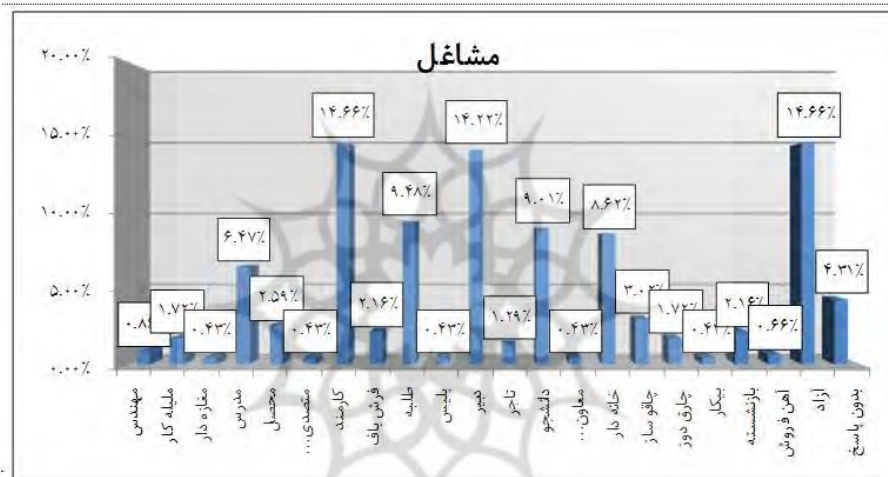
متغیرهای اصلی این تحقیق عبارت هستند از سرزمین، دین و مذهب، زبان و ادبیات، اقوام و نژادها، میراث تاریخی و فرهنگی و هنر در فرهنگ ایرانی که جایگاه هر یک از این متغیرها در تولیدات شبکه اشراق در جهت تقویت هویت و همبستگی ملی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق همه شهروندان استان زنجان بودند؛ به صورتی که با استفاده از پارامترهای سطح اطمینان ۰/۹، $z=1.64$ ، $p=1-q=0.5$ و $d=0.055$ حجم نمونه ۲۳۰ نفری بر پایه فرمول کوکران انتخاب شد. در هریک از شهرهای سلطانیه، صائین قلعه، خدابنده و ابهر ۴۰ پرسشنامه و در شهر زنجان به‌عنوان مرکز استان که بزرگتر و پرجمعیت‌تر است ۷۲ پرسشنامه میان شهروندان از اقشار مختلف توزیع شد. شرکت‌کنندگان در این پیمایش از مشاغل مختلف با تحصیلات متفاوت بودند. با توجه به نمودارها و جداول زیر آنها را از نظر شغلی، تحصیلات و سن مورد مطالعه توصیفی قرار دادیم.

جدول ۱: جامعه آماری و اندازه نمونه

اندازه نمونه	میزان اشتباه مجاز	q	p	z	سطح اطمینان	اندازه کل جامعه
۲۲۳,۵۴۸۸۷۰۹	۰/۰۵۵	۰/۵	۰/۵	۱,۶۴۴۸۵۳۶۲۷	۰/۹	۱۰۰۰۰۰۰
۲۲۳,۴۷۴۲۶۹۹	۰/۰۵۵	۰/۵	۰/۵	۱,۶۴۴۸۵۳۶۲۷	۰/۹	۴۰۰۰۰۰



با توجه به این نمودار افرادی با شغل آزاد و کارمندان بیشترین جمعیت پاسخ دهندگان را داشتند. هم‌چنین از هر قشری اعم از افراد بیسواد تا دارنده مدارک عالی همچون دکترا در این پژوهش شرکت کردند، اما بیشتر پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی هستند.

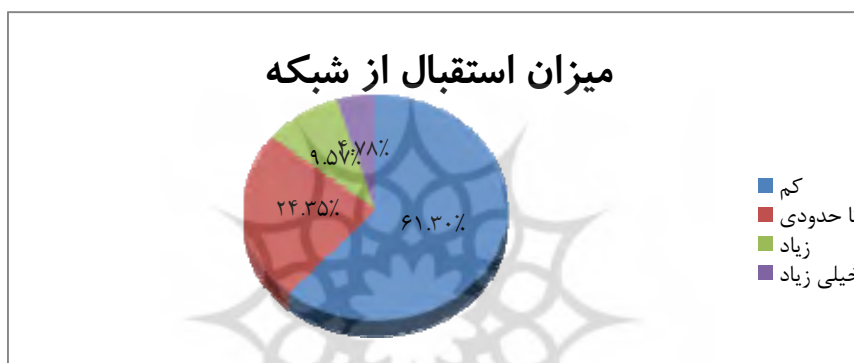
جدول ۲: آماره‌های توصیفی

Descriptive Statistics (آماره‌های توصیفی)						
N	Range	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation	Variance
(تعداد نمونه)	(محدوده - دامنه)	(حداقل)	(حداکثر)	(میانگین)	(انحراف استاندارد)	(واریانس)
۲۲۸	۴۷	۱۵	۶۲	۳۵/۳۱۱	۱۰/۵۵۹۰	۱۱۱/۴۹۳
						سن

با توجه به جدول آمار توصیفی، شرکت‌کنندگان از سن ۱۵ تا ۶۲ ساله حضور داشته‌اند و میانگین سنی آنها ۳۵ سال بوده است.

یافته‌های پژوهش

در گام اول به منظور بررسی میزان استقبال از برنامه‌های شبکه اشراق نمودار زیر نتایج نشان می‌دهد که در قیاس با برنامه‌های شبکه‌های ملی و سراسری، استقبال از این شبکه کم بوده است. براساس پرسش مربوطه و نمودار ذیل این نتیجه حاصل شد که فیلم و سریال بیشترین و برنامه‌های کودک و نوجوان کمترین مخاطب را در بین اقشار مختلف جامعه این استان دارند.

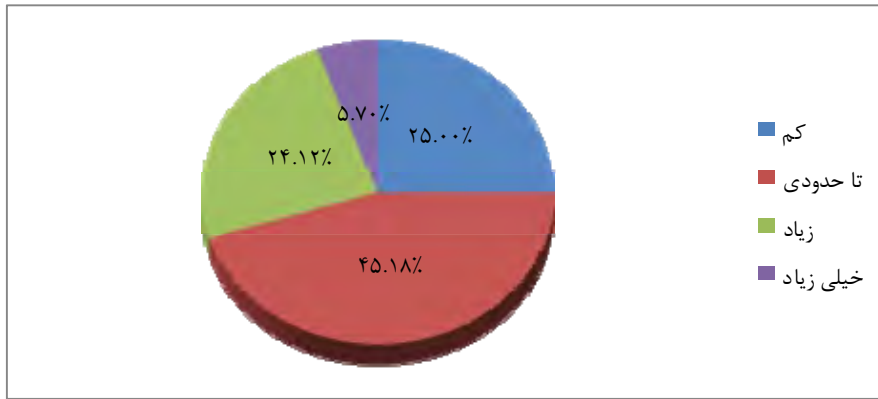


با توجه به نتایج جدول عملکرد این شبکه در مورد تقویت زمینه‌های هویت و همبستگی ملی مشخص شده است که در زمینه ترویج فرهنگ عاشورایی، شناساندن آداب و سنت‌های ایرانی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس عملکرد شبکه قابل قبول بوده است. یکی از شاخص‌هایی که نشان از حرکت مثبت در برنامه‌های این شبکه‌ها دارد همانا توجه به ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی و ملی کشورمان در نواحی و مناطق محلی استان است که در استان زنجان هم کم نیستند. اکثریت جمعیت پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که توزیع برنامه‌ها در دورترین نقاط استان عادلانه بوده است.

جدول ۳: آماره‌های تک نمونه‌ای

One-Sample Statistics (آماره‌های تک نمونه‌ای)				
N (تعداد نمونه)	Mean (میانگین)	Std. Deviation (انحراف استاندارد)	Std. Error Mean (میانگین خطای استاندارد)	
۲۳۰	۱/۵۸	۸۵۲	۰۰۵۶	مدت زمان مشاهده شبکه اشراق
۲۳۰	۲/۱۳	۸۵۵	۰۰۵۶	آموزش زبان
۲۳۱	۲/۰۹	۸۵۵	۰۰۵۶	طرز استفاده از زبان
۲۲۸	۲/۰۳	۸۰۲	۰۰۵۳	اقوام آذری
۲۲۹	۲/۰۷	۸۶۱	۰۰۵۷	سایر اقوام
۲۲۸	۲/۳۶	۸۸۲	۰۰۵۸	مذهب
۲۳۰	۳/۰۵	۹۸۸	۰۰۶۵	ماه محرم
۲۲۹	۲/۱۴	۸۶۴	۰۰۵۷	ادبیات فارسی و آذری
۲۲۸	۲/۰۹	۸۵۸	۰۰۵۷	ادبیات بومی و محلی
۲۲۹	۲/۱۰	۸۵۷	۰۰۵۷	هنر ایرانی
۲۲۶	۱/۹۵	۸۲۳	۰۰۵۵	هنر محلی
۲۲۹	۲/۱۴	۸۱۹	۰۰۵۴	میراث تمدن و تاریخی ایران
۲۲۹	۲/۲۸	۸۶۰	۰۰۵۷	میراث فرهنگی و تاریخی زنجان
۲۲۸	۲/۶۰	۸۴۲	۰۰۵۶	سنت‌های ایرانی
۲۲۸	۲/۵۱	۸۴۲	۰۰۵۶	انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
۲۲۹	۲/۱۳	۷۹۸	۰۰۵۳	سرمایه‌های فرهنگی
۲۲۸	۲/۵۲	۱,۰۰۹	۰۰۶۷	توزیع عادلانه

در امور فرهنگی و رسانه‌ای مؤلفه‌های مدیریت و بودجه هم می‌توانند نقش عمده‌ای در کم و کیف برنامه‌ها و نهایتاً جلب رضایت مخاطبان داشته باشند. اکثریت پاسخ دهندگان به پرسشنامه معتقدند که ضعف در مدیریت و کمبود بودجه موجب ضعف و مشکلات برنامه‌ها می‌باشند. اما در مجموع، ۷۵٪ از پاسخ‌دهندگان عملکرد این شبکه را خوب ارزیابی کرده و به برنامه‌های آن نمره خوبی داده‌اند.



بخش تبیینی

به منظور بررسی روایی سؤالات پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده کردیم و نتیجه آن ۰/۸۵ شد و می‌توان نتیجه گرفت که نتایج به دست آمده از این پرسشنامه‌ها قابلیت اعتماد بالایی دارند.

جدول ۴: آماره‌های قابلیت اعتماد (Reliability Statistics)

Cronbach's Alpha (آلفای کرونباخ)	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items (آلفای کرونباخ با آیتم‌های استانداردسازی شده)	N. of Items (تعداد آیتم‌ها)
.۸۴۹	.۸۵۱	۱۵

حال با استفاده از آزمون t تأثیر متغیرهای مختلف را در مورد همبستگی ملی مطالعه می‌کنیم. با استفاده از این آزمون جدول زیر حاصل شده است.

جدول ۵: آزمون تک نمونه‌ای (One-Sample Test)

	t (آماره آزمون)	df (درجات آزادی)	Sig. (2-tailed) (سطح معنی داری - دوطرفه)	Mean Difference (تفاضل از میانگین)	95% Confidence Interval of the Difference (فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای تفاضل)	
					Lower (مقدار پایینی بازه)	Upper (مقدار بالایی بازه)
توزیع عادلانه	۷,۸۱۴	۲۲۷	.۰۰۰	.۰۵۲۲	.۳۹	.۶۵
زبان	۲,۱۹۴	۲۳۰	.۰۲۹	.۱۰۶۰۶	.۰۱۰۸	.۲۰۱۳
قومیت	.۹۸۷	۲۲۹	.۰۳۲۵	.۰۴۵۶۵	-.۰۴۵۵	.۱۳۶۸

مذهب	۱۳,۴۸۵	۲۲۹	.۰۰۰	.۷۰۸۷۰	.۶۰۵۱	.۸۱۲۳
ادبیات	۲,۴۴۵	۲۲۸	.۰۱۵	.۱۲۰۰۹	.۰۲۳۳	.۲۱۶۹
هنر	.۶۳۲	۲۲۹	.۰۵۲۸	.۰۳۰۴۳	-.۰۶۴۵	.۱۲۵۴
میراث	۴,۶۱۰	۲۲۸	.۰۰۰	.۲۰۹۶۱	.۱۲۰۰	.۲۹۹۲
سنت	۹,۷۸۶	۲۲۸	.۰۰۰	.۴۱۱۲۱	.۳۲۸۴	.۴۹۴۰

با توجه به میزان معناداری (sig) در سطح ۰/۰۵ غیر از متغیرهای اقوام ایرانی و هنر، سایر متغیرها تأثیر معنادار و مثبتی روی هویت و همبستگی ملی داشته‌اند. هم‌چنین با توجه به مقدار t در جدول، مذهب و پس از آن سنت‌های اجتماعی دارای بالاترین درجه تأثیرند. هم‌چنین اگر تمام متغیرهای موجود در پرسشنامه را به‌طورکلی در جهت تقویت هویت و همبستگی ملی در نظر بگیریم می‌توان با توجه به آزمون زیر استنباط کرد که این شبکه به طور معنادار عملکرد قابل قبولی داشته است.

جدول ۶: آزمون تک نمونه‌ای (One-Sample Test)

	t (آماره آزمون)	df (درجات آزادی)	Sig. (2-tailed) (سطح معنی داری - دوطرفه)	Mean Difference (تفاضل از میانگین)	95% Confidence Interval of the Difference (فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای تفاضل)	
					Lower (مقدار پایینی بازه)	Upper (مقدار بالایی بازه)
همبستگی ملی	۷,۶۱۱	۲۳۰	.۰۰۰	.۲۴۵۲۱	.۱۸۱۷	.۳۰۸۷

به منظور بررسی متغیرهای مؤثر بر نمره‌دهی و مدت زمان مشاهده برنامه‌ها از جدول همبستگی فوق استفاده کرده‌ایم. با توجه به این نتایج: زبان، قومیت و سنت‌های اجتماعی به دلیل همبستگی بالا بیشترین تأثیر را روی نمره‌دهی داشته‌اند. نکته دیگر، این است که همین متغیرها روی مدت زمان مشاهده برنامه‌ها تأثیر مثبت داشته‌اند.

جدول ۷: همبستگی متغیرها

Correlations			
(همبستگی متغیرها با نمره‌دهی و مدت زمان مشاهده شبکه اشراق)			
		نمره	مدت زمان مشاهده شبکه اشراق
نمره	Pearson Correlation (همبستگی پیرسن)	۱	.۵۱۳
	Sig. (2-tailed) (سطح معنی‌داری - دوطرفه)		.۰۰۰
	N (تعداد مشاهدات)	۲۲۸	۲۲۷
مدت زمان مشاهده شبکه اشراق	Pearson Correlation	.۵۱۳	۱
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	
	N	۲۲۷	۲۳۰
زبان	Pearson Correlation	.۴۴۹	.۴۷۸
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۲۲۸	۲۳۰
قومیت	Pearson Correlation	.۴۰۸	.۳۸۰
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۲۲۸	۲۲۹
مذهب	Pearson Correlation	.۲۰۵	.۲۱۹
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۲	.۰۰۱
	N	۲۲۸	۲۲۹
ادبیات	Pearson Correlation	.۳۹۰	.۱۵۲
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۲۲
	N	۲۲۷	۲۲۸
هنر	Pearson Correlation	.۳۷۳	.۱۴۹
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۲۴
	N	۲۲۸	۲۲۹
میراث	Pearson Correlation	.۳۵۲	.۱۸۳
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۶

	N	۲۲۷	۲۲۸
سنت	Pearson Correlation	.۴۶۴	.۲۸۵
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	.۰۰۰
	N	۲۲۷	۲۲۸

نتیجه گیری

در پایان برای نتیجه‌گیری از یافته‌های این تحقیق باید نکات ذیل را یادآور شد. از آنجایی که موقعیت فرهنگی، تاریخی و هویتی کشورمان بسیار ممتاز و خاص است و فرصت‌ها و ظرفیت‌های ملی مختلفی داریم که مهم‌ترین مزیت رقابتی ما در کارزارهای جهانی است، نباید از قدرت و تأثیرگذاری رسانه‌ها و لزوم نوآوری‌های مختلف آنها غافل شویم و در صورت کم‌کاری و بی‌هنری خسارات تاریخی آن هم قابل توجه خواهد بود. شبکه‌های استانی صدا و سیما هم که با هزینه‌ها و مشکلاتی که امروزه در جهان با آن مواجه هستیم فعالیت دارند به مثابه رزمندگان خط مقدم در کشاکش‌های فرهنگی و ملی هستند و چون رسالت مهمی دارند، بالطبع انتظارات بالایی برای مدیریت این فرصت‌ها از آنها وجود دارد.

یافته‌های این تحقیق نکات مختلفی را به ما بیان می‌کند که هم‌گویی برخی ضعف‌ها و هم منعکس‌کننده پاره‌ای موفقیت‌هاست. شبکه اشراق علی‌رغم جوان بودن و تجربه کم کارنامه قابل قبولی دارد، اما نسبت به شبکه‌های ملی و سراسری، استقبال از برنامه‌های این شبکه کم است. به‌ویژه درباره برنامه‌های کودک و نوجوان کار مهمی صورت نگرفته و هرچند فیلم و سریال بیشترین مخاطب را در بین بینندگان آن دارد، اما بیشتر فیلم و سریال‌ها هم به شبکه‌های سراسری اختصاص دارد تا تولیدات بومی و جدید. راجع به عملکرد شبکه در موضوعات و متغیرهای مذهبی، سنت‌ها و ارزش‌های انقلابی که بخش مهمی از هویت و همبستگی ما بدانها معطوف است، نتیجه این شد که در زمینه ترویج فرهنگ عاشورایی، شناساندن آداب و سنت‌های ایرانی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، عملکرد شبکه قابل قبول بوده است. در هریک از نواحی محلی استان‌ها سرمایه‌ها و ظرفیت‌های خوبی برای نوسازی، بازسازی و بهسازی فرهنگی وجود دارد و توجه شبکه اشراق به داشته‌های نواحی مختلف و رجوع به آنها مطلوب بوده و مشخصاً اکثریت جمعیت پاسخ‌دهندگان معتقدند که توزیع برنامه‌ها در نقاط مختلف استان عادلانه بوده است.

نکته بعدی حکایت از این دارد که با توجه به میزان معناداری (sig) در سطح ۰/۰۵، غیر از متغیرهای اقوام و انواع هنر، سایر متغیرها تأثیر معنادار و مثبتی روی هویت و همبستگی ملی داشته‌اند. هم‌چنین با توجه به مقدار t در جدول، مذهب و پس از آن سنت‌های اجتماعی دارای بالاترین درجه تأثیرند. هم‌چنین اگر تمام متغیرهای موجود در پرسشنامه را به‌طور کلی در جهت تقویت هویت و همبستگی ملی در نظر بگیریم می‌توان با توجه به آزمون انجام شده ملاحظه کرد که این شبکه به طور معنادار عملکرد قابل قبولی داشته است.

در نهایت، توصیه می‌شود که سیاستگذاری اصولی در تعریف برنامه‌ها و تولیدات مختلف و جدید برای کودکان و نوجوانان، استفاده از متخصصان امور فرهنگی، ادبی و هنری جهت تولیدات بومی و نو، انعکاس ظرافت بیشتر و کیفیت فنی بیشتر در تهیه و پخش برنامه‌ها و انعکاس برخی برنامه‌های شبکه‌های استانی، ایجاد تنوع در مجریان برنامه‌ها، بهره‌گیری از علوم و تجارب استادان و کارشناسان محلی، جذب و تربیت هنرمندان و کارشناسانی که ضمن مطالعه و تحقیق در حوزه وظایف خود نوآوری کنند، برای جذب بیشتر مخاطب مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- احمدلو، حبیب و عماد افروغ (۱۳۸۲): «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۴، ش ۱، صص ۱۰۹-۱۴۳.
- احمدی، حمید (۱۳۸۴): «هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ»، در مریم صنیع اجلال، *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی (۱۳۸۹): «ژئوکالچر ایرانی در شبه قاره هند؛ گستره جغرافیایی نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، صص ۷۳-۱۰۰.
- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳): *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱): *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: نشر آگه.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۸): *فرهنگ و تمدن*، تهران: نشر نی.
- پوپ، ا. و. (۱۳۸۱): «مقام هنر ایرانی»، در مجموعه مقالات *سنت و فرهنگ*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۴۱-۹۷.
- پیرنیا، کریم (۱۳۸۱): «مردم‌واری در معماری ایران»، در مجموعه مقالات *سنت و فرهنگ*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۱۱۲-۱۱۶.

- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱): *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- خان‌محمدی، کریم (۱۳۸۸): «عناصر فرهنگی پایداری ایرانیان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۰، ش ۲، صص ۳-۲۶.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶): *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز*، تهران: آگه.
- فلاح، مرتضی (۱۳۸۷): «نقش زبان فارسی در گسترش هویت ملی و فرهنگی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۲، صص ۳-۳۰.
- قیصری، نوراله (۱۳۸۳): «هویت ملی؛ مؤلفه‌ها، چگونگی پیدایش و تکوین آن»، در داود میرمحمدی. *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، صص ۸۹-۱۰۷.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶): *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*، چاپ سوم، تهران: نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴): *گفتارهایی درباره زبان و هویت*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۹۰): *وسایل ارتباط جمعی*. چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- معینی‌علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳): «هویت ملی؛ رویکرد انتزاعی به خرده‌هویت‌ها»، در داود میرمحمدی. *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، صص ۴۳-۷۰.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷): *میانی هویت ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نوروزی، حسین (۱۳۸۶): «ایران و رژیم‌های بین‌المللی مبادلات فرهنگی»، در مجموعه مقالات *ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکردی ایرانی*، تهران: انتشارات الهدی، صص ۳۶۳-۳۹۴.
- Asamoah-Gyadu, J.Kwabena (2008); "Community", In Morgan, David (Ed), *Keywords in Religion, Media and Culture*, New York: Routledge, PP 56-68.
- Black S., Mark (2006); *Political Geography*, London: Routledge.
- Curran, James (2008); "Communication and history", in Barbie Zelizer (Ed.). *Explorations in Communication and History*, New York: Routledge, PP 46-60.
- Delibasis, D. (2009); "Information Warfare Operations within the Concept of Individual self-defense", in Karatzogiani, A. (Ed.) *Cyber Conflict and Global Politics*, New York: Routledge.
- Everard, J. (2000); *Virtual States: The Internet and the Boundaries of the Nation-State*, New York: Routledge.
- Falk, Richard (2000); "A New Medievalism", in Fry, Greg and O'Hagan, Jacinta (Ed.). *Contending Images of World Politics*, New York: McMillan Press Ltd.
- Holton, R. (1998); *Globalization and the Nation-States*, London: McMillan.
- Kelleher, A. and L., Klein (1999); *Global Perspective*, Prentice Hall.
- Kelleher, Ann and Klein, Laura (1998); *Global Perspective, A Handbook for understanding International Issues*, N.J. Prentice Hall.
- Kwabena Asamoah-Gyadu, J. (2008); Community. pp. 56-68, In Morgan, David (Ed.). *Key Words in Religion, Media and Culture*, New York: Routledge.
- Kymlicka, W. (1995); *Multicultural Citizenship*, New York: Oxford University Press.
- Pruthi, Raj Kumar (2006); *Globalization and the New Civilization*, New Delhi: Alfa.